

عکس ادراک کن
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به اهتمام
حزین (زهرا) خوش نظر

اسفندماه سال ۱۳۹۵

<http://hazzin.blogfa.com>

<https://telegram.me/hazinkhoshnazar>



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى

پروردگارا درود فرست بر محمد بن علی (حضرت امام جواد)

عَلَّمَ التَّقَى وَ نُورِ الْهُدَى وَ مَعْدِنِ الْوَفَاءِ

که نشانه و مثل اعلای تقوی و خدا پرستی است و نور هدایت و ارشاد خلق و معدن اهل وفا

وَ فَرْعِ الْأَزْكَيَاءِ وَ خَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ

و پیرو سایر صاحبان تزکیه نفس و جانشین اوصیای پیغمبر اکرم و امین بر اسرار وحی توست

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ

پروردگارا پس چنانکه خلق را تو بواسطه او از گمراهی به راه هدایت آوردی

وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ

و از وادی حیرت جهالت نجات دادی

وَ ارشَدْتَهُ بِهِ مِنْ اهْتَدَى

و هر که لایق هدایت بود بواسطه او ارشاد کردی

وَ زَكَّيْتَهُ بِهِ مِنْ تَزَكَّى

و هر کس قابل تزکیه نفس بود روحش را تزکیه و صفا دادی

فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ

پس ای خدا درود فرست بر او بهترین درودی که بر احدی از اولیاء و دوستان خاصت

وَ بَقِيَّةِ أَوْصِيَانِكَ

و سایر اوصیای پیغمبر اکرمت فرستادی

إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

که تو ای خدا صاحب عزت و اقتدار و حکمت بی نهایتی

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلى من تبعهم



هو اللطيف

ققنوس دلم دوباره به مدینه پر کشیده است .

و کودکی را یافته ام که علم و حکمت وام دار یک نگاه اوست.

هم او که بخشندگی و ، جود ، از او معنا گرفته است.

او که **جواد الائمه** لقب یافته است.

فرزند مطهر امام رضا علیه السلام.

و او به تفسیر **عشق** می‌نشیند ،

و زمزم نه در زیر پاهایش ، که از دریای زلال قلبش می‌جوشد .

و همچون اجداد و پدران مطهر و گرامی‌اش ، غرق نور و هدایت.

و مادر گرامی امام جواد علیه السلام، خیزران از خاندان «ماریه قبطیه» ، همسر رسول الله

صلی الله علیه و آله بود،

که در فضایل اخلاقی از برترین زنان عصر خویش بود.^۱

و چون امام محمد تقی علیه السلام متولد شد ، پدر گرامی‌اش ، امام رضا علیه السلام فرمود:

خداوند به من فرزندی عطا کرده است ، که شبیه است به موسی بن عمران علیه السلام ،

که دریاها را می‌شکافت ، و نظیر عیسی بن مریم علیهم السلام است ،

که حق تعالی مادر او را ظاهر و مطهر آفریده بود.

پس فرمود:

این فرزند من به جور و ستم کشته خواهد شد ، و اهل آسمان‌ها بر او خواهند گریست.

و امام رضا علیه السلام فرمودند:

ما اهل بیت کودکان مان مو به مو از بزرگان مان، ارث می‌برند.^۲

۱ - به نقل از منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۳۶۷.
۲ - روایت از احمد بن محمد بن عیسی به نقل از معمر بن خلاد، اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام.



آن حضرت به هنگامی که امام رضا علیه السلام ، به سال دویست هجری ،

از مدینه به خراسان عازم شدند شش ساله بودند.

امام جواد علیه السلام پس از شهادت پدر گرامی‌شان ، مدت هفده سال زندگی کردند.

روزی مأمون ، که به قصد شکار روانه شده و در میان راه به جمعی از کودکان رسید ، که در

میان راه ایستاده بودند ، و حضرت جواد نیز آنجا ایستاده بود.

چون کودکان کوکبی مأمون را دیدند پراکنده شدند ، مگر آن حضرت ، که از جای خویش

حرکت نکرد.

و چون مأمون نزدیک شد ، از جلال و حشمت این کودک هاشمی‌تبار ، سخت متعجب گردید ،

و ایشان را نمی‌شناخت.

نزدیک آمد و از امام علیه السلام پرسید:

ای کودک چرا مانند کودکان دیگر از سر راه دور نشدی ، و از جای خود حرکت نکردی؟

امام جواد علیه السلام فرمود:

ای خلیفه راه تنگ نبود که بر تو گشاد گردانم ، و جرم و خطایی نداشتم که از تو بگریزم ،

و گمان ندارم که تو بی‌جرم کسی را عقوبت کنی.

از این سخنان تعجب مأمون بیشتر شد و از او پرسید: ای کودک چه نام داری؟

امام علیه‌السلام فرمود: محمد

گفت: پسر کیستی؟

فرمود: فرزند علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام).

مأمون چون نام او را شنید ایشان را شناخت ، و سپس روانه شد ، و چون به صحرا رسید نظرش بر دراجی افتاد و بازی از پیش ره ا کرد، و باز چون از هوا بازگشت ، ماهی کوچکی در منقار داشت که هنوز زنده بود.

مأمون در شگفت شد و آن ماهی را در کف گرفت. و از همان راهی که آمده بود بازگشت ، و دوباره کودکان را دید که با مشاهده ی او پراکنده شدند ، و امام جواد علیه‌السلام از جای خویش حرکت نکرد.

مأمون گفت: ای محمد این چیست که در دست دارم؟

امام علیه‌السلام فرمود:

حق تعالی دریایی چند خلق کرده است ، که ابر از آن دریاها بلند می‌شود ، و ماهیان کوچک با ابر بالا می‌روند ، و بازهای پادشاهان آن را شکار می‌کنند ، و پادشاهان آن را در کف می‌گیرند ، و سلاله ی نبوت را با آن امتحان می‌نمایند.

و مأمون با شگفتی گفت: حقا که تویی فرزند امام رضا علیه‌السلام.^۳.....

..... امام جواد علیه‌السلام ، وقتی خبر بیماری کسی را می شنید، به عیادتش می شتافت و از او

دلجویی می کرد. روزی امام جواد علیه‌السلام به عیادت یکی از یاران خود رفت.

^۳ - منتهی آلامال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲ .

وقتی در بالین او نشست، متوجه شد بیمار گریه می کند.

حضرت فرمود: «ای بنده خدا! آیا از مرگ می ترسی؟»

اگر چرک و کثافات تو را فرا گرفته و موجب ناراحتی شود، و جراحات و زخم های پوستی در

بدن به وجود آید و بدانی که شستشوی در حمام، همه ناراحتی ها و امراض را از بین می برد، آیا

دوست داری وارد حمام شده و بدنت را بشویی و از زخم ها و آلودگی ها پاک شوی؟»

بیمار مقداری آرام شد و رو به امام کرد و گفت: البته که دوست دارم.

امام فرمودند: «مرگ برای مؤمن همانند حمامی است که انسان را از تمام رنج ها و سختی ها

رهانیده و به سوی شادکامی می برد.»

بیمار از کلام امام آرام گرفت و عافیت و نشاط پیدا کرده، نگرانی اش از بین رفت.

..... غذای امام جواد علیه السلام، همانند جد بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام، خیلی ساده و به دور از تشریفات بود.

ایشان همانند تنگدستان جامعه غذا می خورد، و با دیگران هم غذا می شد.

امام جواد علیه السلام از این که در کاخ های عباسیان، به آسودگی و در رفاه زندگی کند، و امور دینی شیعیان را به فراموشی بسپارد، راضی نبود، و اگر شرایطی برای ترک اقامت در بغداد فراهم می شد، آن شهر را ترک می کرد.

یکی از یاران امام می گوید:

در بغداد بر امام جواد علیه السلام وارد شدم و زندگی او را مشاهده نمودم.

با خود گفتم: حال که امام به این زندگی مرفه رسیده، هرگز به مدینه باز نمی گردد.

امام لحظه ای سر به زیر افکند و آن گاه سر برداشت.

دیدم رنگ چهره امام از اندوه زرد شده است.

حضرت رو به من کرد و فرمود:

ای حسین! نان جوین و نمک نیمکوب در حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله بهتر از این هاست.

به همین دلیل امام علیه السلام ، در بغداد نماند و به همراه همسرش ام الفضل به مدینه بازگشت ،
و تا سال ۲۲۰ در مدینه بود

... **حضرت عبدالعظیم حسنی**، از شاگردان برجسته امام جواد علیه السلام می گوید:

به محضر مبارک امام جواد علیه السلام رسیدم ، و از حضرت درخواست حدیثی نمودم که از پدران
بزرگوارش نقل شده باشد.

فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

«اگر عیب شما بر دیگری آشکار شود، همدیگر را دفن نمی کنید».

گفتم: باز هم بفرمایید.

فرمود: امام علی علیه السلام می فرماید:

«همنشینی با اشرار و انسان های بد، سبب بدگمانی به خوبان می شود».

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! باز هم بفرمایید.

حضرت فرمودند: امیرمؤمنان فرموده است:

«بدترین توشه برای سفر قیامت، ظلم و ستم کردن بر بندگان خداست».

گفتم: باز هم بفرمایید.

حضرت فرمودند: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

« تدبیر و اندیشه قبل از اقدام به کار، تو را از پشیمانی حفظ می کند».

عبدالعظیم حسنی علیه السلام، از امام جواد علیه السلام،

و آن حضرت از پدران بزرگوار خود، از **علی علیه السلام** درباره ی **غیبت امام زمان علیه السلام** ،

روایت می کنند، که آن حضرت فرمود:

قائم ما دارای **غیبت طولانی است**،

و شیعیان ما در عصر غیبت مانند گوسفندانی که دنبال چراگاه میگردند، سرگردان خواهند بود، و
دنبال امام خویش میگردند،

اما هر کس بر دین خود ثابت قدم بماند، و روحیه او در طول غیبت خسته و افسرده نگردد، روز قیامت نزد من قرار خواهد گرفت.

سپس فرمود:

قائم ما آنگاه که قیام کند، برای هیچکس در ذمه او بیعتی نیست،

و او متابعت از کسی نخواهد کرد،

و برای همین است که، ولایت، و وجود او، از نظر مردم مخفی و پنهان است..

زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه السلام _ نویسنده : احمد صادقی اردستانی

علی بن مهزیار اهوازی، نماینده امام جواد علیه السلام در اهواز و از خواص حضرت می گوید:

در شهر اهواز فراوان زلزله می آمد ، تا جایی که تصمیم گرفتم آن شهر را ترک کرده و به شهر دیگری نقل مکان کنم.

اما قبل از آن که تصمیم خود را عملی کنم، موضوع را به وسیله نامه با امام جواد علیه السلام در میان گذاشتم.

آن حضرت در جواب نامه من نوشت :

«شهر خود را ترک نکنید، بلکه به مردم بگویید روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را روزه گرفته و غسل کنند و در روز جمعه با لباس های پاک و تمیز، از شهر خارج شده و به دعا و نیایش با خداوند بپردازند تا خداوند بدین وسیله، بلای زلزله را از شما برطرف کند».

علی بن مهزیار می گوید:

ما دستورات حضرت را اجرا کردیم و زلزله آرام گرفت و زندگی مردم به حالت عادی برگشت .

خبر از شهادت پدر در مدینه

بسیاری از بزرگان شیعه و سنی ، در کتاب های مختلف ، به نقل از شخصی به نام ،

امیه بن علی حکایت کنند :

در آن هنگامی که امام رضا علیه السلام در شهر خراسان بود، من مدت زمانی را در مدینه بودم

و مرتب به منزل حضرت ابوجعفر، امام محمد جواد علیه السلام رفت و آمد داشتم .
در طی این مدت مشاهده می کردم ، که هر روز خویشان و آشنایان به محضر مبارك امام جواد علیه السلام ، وارد می شدند و سلام و احترام می کردند .

پس از گذشت مدت ها از مسافرت امام رضا علیه السلام به خراسان ، و بی اطلاعی مردم از آن

حضرت ، روزی حضرت جواد علیه السلام ، در جمع عده ای از اصحاب خویش ، یکی از کنیزان را صدا زد و چون نزد حضرت حاضر شد، به وی فرمود:

برو به تمام افراد اهل منزل بگو که برای سوگواری و عزاداری آماده شوند.
همین که افراد از منزل حضرت خارج شدند با یکدیگر گفتند:

چرا سؤال نکردیم که سوگواری و عزاداری برای چه کسی است؟
و چون فردای آن روز فرا رسید و عده ای از اصحاب نزد حضرت جهت ملاقات و دیدار آمدند، امام جواد علیه السلام همانند روز قبل ، دوباره یکی از کنیزان را صدا زد و اظهار داشت : به اهل منزل بگو که آماده عزاداری گردند.

در این هنگام ، برخی از اصحاب از آن حضرت سؤال کردند:
یا این رسول الله ! مگر عزای چه کسی است ؟
حضرت فرمود: عزای آن کسی که بهترین فرد از افراد روی زمین می باشد
و در همان روزها خبر شهادت پدرش ، حضرت ابوالحسن ، امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام
به اهالی شهر مدینه رسید و منتشر گردید .



یک بار حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام به امام جواد علیه السلام عرض کرد:

ای مولای من ، آرزوی قائم آل محمد (عج) را دارم ،

یعنی همان کسی که دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.

امام علیه السلام فرمود:

ما امامان همگی قائم به امر پروردگار و هدایت گر به دین حضرت حق هستیم .

ولکن آن قائمی که خداوند توسط او زمین را از اهل کفر و انکار پاکیزه خواهد کرد و عدالت را در
سطح گیتی می گستراند، آن کسی است که ولادتش مخفی و از نظر ها پنهان است.

بردن نامش حرام (م ح م د) و همنام پیامبر می باشد.

خداوند زمین را برایش آماده و هر مشکلی را برایش سهل خواهد کرد.

از اطراف عالم به تعداد اصحاب بدر یعنی سیصد و سیزده نفر به او ملحق می شوند ،

و این همان کلام خداست که می فرماید:

« أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » . بقره ۱۴۸

هر کجا باشید خداوند تبارک و تعالی شما را جمع خواهد کرد و خداوند بر همه چیز قادر است.

هنگامی که این عده از اهل اخلاص تجمع کردند ، خداوند فرمائش را ظاهر می سازد ،

و بعد ده هزار نفر به اجازه پروردگار قیام می کنند ، آنقدر از دشمنان خدا را می کشند تا رضایت پروردگار جلب شود .

در این جا حضرت عبد العظیم می گوید که عرض کردم ای آقای من ! چگونه متوجه می شود که خداوند راضی شده؟

فرمود : در دلشان رحم می افتد!

احتجاج، ج دوم، ص ۲۵۰

در زمان مأمون خلیف عباسی، عباسیان از یحیی بن اکثم، که قاضی القضاات بود، خواستند که در حضور مردم و خلیفه، از امام جواد علیه السلام مسئله ای را مطرح کند که امام علیه السلام پاسخش را نداند، و به او وعده ی بخشیدن مال های فراوانی دادند.

و در روزی که مأمون تعیین نمود، یحیی بن اکثم اجازه خواست تا سؤال خود را مطرح سازد، و امام علیه السلام اجازه فرمود.

یحیی بن اکثم گفت: خداوند ترا جزای خیر دهد ای ابا جعفر،

درباره مُحْرِم (کسی که در احرام حج است) که شکاری کشته باشد چه می گویی؟

و امام جواد علیه السلام که در آن زمان هفت سال و چند ماه داشتند، فرمودند:

این مُحْرِم، صید خود را در حرم کشت یا خارج از آن؟ آگاهانه این کار را کرد یا ناآگاهانه؟

عمداً این کار را کرد یا از روی خطا؟ بنده بود یا آزاد؟ کوچک بود یا بزرگسال!

برای نخستین بار این کار را کرده بود، یا چندمین بارش بود؟ شکار جزء پرندهگان بود یا جز آن؟

شکار کوچک بود یا بزرگ؟ نسبت به کاری که کرده بود پافشاری می ورزید، یا اینکه پشیمان بود؟

شب هنگام و در لانه صید را کشت، و یا در روز و خارج از آن؟

قاتلِ شکار، برای حج یا برای عمره، به احرام درآمده بود؟

یحیی بن اکثر مات و مبهوت ماند، و چنان یکه‌ای خورد که نه تنها حضار متوجه شدند که تاریخ

به ثبت آن نشست.

و امام علیه‌السلام، سؤال او را در تمامی فرض‌های مطرح شده، پاسخ دادند.

و در همین مجلس مأمون از امام علیه‌السلام خواستند تا ایشان نیز سؤالی مطرح کنند که،

یحیی بن اکثم، پاسخ دهد.

و امام علیه‌السلام فرمودند:

از مردی بگو که در آغاز روز به زنی نگاه کرد، و نگاهش به این زن حرام بوده، ولی روز

برآمد این نگاه حلال شد، و هنگام ظهر حرام گردید، و به هنگام عصر حلال شد، و در غروب

خورشید حرام گردید، و به وقت عشا حلال شد، و در نیمه شب حرام شد، و با طلوع خورشید حلال

گردید.

این زن چگونه زنی است، و علت حرام و حلال شدن نگاه، بر مرد چه بود؟

یحیی بن اکثم گفت:

به خدا سوگند که نمی‌دانم پاسخ چه بگویم، و چگونه است این مسئله،

و اگر اجازه دهید از شما می‌خواهم که مستفیض فرمائید.

امام جواد علیه‌السلام فرمود:

این زن کنیزکی بود متعلق به مردی، که بیگانه‌ای در آغاز روز به او نگاه کرد و این نگاه وی بر

او حرام بود، و وقتی روز برآمد آن را از اربابش خرید و نگاهش حلال شد، و وقتی ظهر شد او را

آزاد کرد بر وی حرام شد، و به هنگام عصر او را به ازدواج خود درآورد حلال گردید، و به هنگام

غروب، به همسرش گفت که تو همچون مادرم، بر من حرام هستی که حرام شد، و وقت عشاء، از این

گفته‌اش عدول کرد و حلال شد ، و در نیمه شب او را یک طلاقه کرد حرام گردید ، و در سپیده صبح

رجوع کرد ، و حلال شد

و مأمون پس از این جریان ام الفضل، دختر خویش را به ازدواج امام جواد علیه‌السلام درآورد.

تا بهتر بتواند امام جواد علیه‌السلام را زیر نظر داشته باشد، و آن حضرت را کنترل نماید .

و امام جواد علیه‌السلام نیز همچون پدر گرامی‌اش، زندانی دربار مأمون در بغداد گردید.

که خفاشان شب‌پرست تاب دیدن آفتاب را ندارند.

و همسری دختر مأمون با امام جواد علیه‌السلام، خدع‌های تازه و نیرنگی زیرکانه نبود که با آن

بتوانند خورشید را ، در ظلمت دل‌های حقیر و پوسیده‌شان ، به زنجیر کشند.

و بر امام جواد علیه‌السلام آن رفت که بر اجداد طاهرینش رفت.

و شد آنچه شد.

و امام جواد علیه‌السلام که هفده سال پس از پدر زندگی کرده بودند ، و مأمون ایشان را به بغداد

فرا خوانده بودند. در زمان معتصم عباسی برادر مأمون، همانند جدّ بزرگوار خویش ،

امام حسن مجتبی علیه‌السلام، جام شوکران را از دستان زهرناک و قتال نه همسر ،

که افعی سیاه‌دل خانگی خویش، ام الفضل ، دختر شیطان‌صفت خلیف عباسی نوشید.

و ایشان که در هفت سالگی به امامت رسیده بودند ، در عنفوان جوانی، در بیست و پنج سالگی ،

پنجم ذیحجه سال ۲۱۹ هجری ، شهید **عشق** گردید.

و در کنار جدّ بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه‌السلام، صدف کاظمین گوه‌ریگانه ی

وجودش را در آغوش خویش نهان ساخت.^۴

^۴ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، ترجمه محمد مقدس، ج ۲ .

مَدِينَةُ الْحَمْدِ لِلَّهِ

لِلصَّلَاةِ وَالْحَمْدِ لِلَّهِ

عَمَّا دَرَسْنَا
مَدِينَةَ الْحَمْدِ
لِلصَّلَاةِ وَالْحَمْدِ لِلَّهِ



يا ابا جَعْفَرٍ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ

ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای تقی جواد،

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ

ای فرزند فرستاده خدا،

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

ای حجّت خدا بر بندگان،

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا

ای آقا و مولای ما،

إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ

به تو روی آوردیم ، و تو را واسطه قرار دادیم ، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا

و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ

ای آبرومند نزد خدا،

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

برای ما نزد خدا شفاعت کن،



خداوندا

سپاس و ستایش از آن توست
و انسان مخلوق شگفت انگیز و زیبای تو ،
و نام بلند تو بر لبانش ،
و سپاسگزار تو، که خورشیدی پس از خورشیدی ، و نوری پس از نوری،
شب چراغ راهش گردانیدی..
که در آفتاب هدایتت ظلمت‌ها از وجودش بگریزند،
که اندوه بگریزد ، که **عشق** بماند، که سبز بماند.
و ما مسافریم و بی‌تاب
و سفر نور می‌خواهد،
و نور جز در راه تو نیست ،
و راه جز با نور تو هموار نمی‌شود.
و تو با مایی هر کجا که باشیم که تو خود فرمودی:
هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ
او با شماست هر کجا که باشید.

و انسان از ظلمت خویش می‌گریزد ، تا جانش با نور پیوندی جاودانه داشته باشد.

او مسافر زمان است ،

و نگاه خسته و باران زده‌اش به آسمان،

پایش در زمین،

و دل یک باغ باران خورده پر از سبزینه‌های سبز دعا.....



السلام علیکم یا امام جواد علیه السلام

من به لطف نگاهت ای باران

سوی مشد ز یاد می آیم

دست بر روی سینه هر بار از

سمت باب ابجواد می آیم

با حضور ستاره ها گفتند

نور در خاندی امام رضا است

گمگشان هاشیه تسبیحی

دست در دانه می امام رضا است

مثل باران همیشه دسات

رزق و روزی برای مردم داشت

برکت در دینه بود از بس

چهره ات رنگ و بوی گندم داشت

**

زیرپات همیشه جاری بود

موج در موج دستی از دریا

به خدا با خدا تر از موسی

بی عصای گذشتی از دریا

**

با خداوند هم کلام شدی

علت بهت خاص و عام شدی

«کودکی هایتان بزرگی بود»

در همان کودکی امام شدی

**

رزق و روزی شعر دست شاست

تائفست هست زیر دین توایم

تاجان هست و تائفست باقی است

ما فقط محو کاظمین توایم

**

من به لطف نگاهت ای باران

سوی مشهد زیاد می آیم

دست بر روی سینه هربار از

سمت باب الجوامی آیم







عقبات در کفر





جواب السئلة
 مجموعة من اجابات اسئلة المؤمنين في الدين والحياة
 للشهيد الثاني

**سه چیز از کارهای نیکان است: انجام واجبات
 الهی، ترک و دوری از گناهان، مواظبت و
 رعایت مسائل و احکام دین.**

بهارالانوار، ج ۵، ص ۸۱

www.al-islam.com

عکس ادبی

جواب السئلة
 مجموعة من اجابات اسئلة المؤمنين في الدين والحياة
 للشهيد الثاني

**همانا خداوند متعال بهترین و عزیزترین ثروت و فرزند مؤمن را می
 گیرد، چون دنیا و متعلقات آن بی ارزش است تا [در قیامت] پاداش
 عظیمی عطایش نماید.**

کاف، ج ۲، ص ۲۱۸

www.al-islam.com



الخبز ربا الله، تركه لا يترك ربا الله

خشوع و خضوع زینت بخش نماز خواهد بود، ترک و رها کردن
 آنچه [برای دین و دنیا و آخرت] سودمند نباشد زینت بخش
 ورع و تقوای انسان می باشد.

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱

ahlab.com

حیات در شرف



قلوبنا من نور، و قلوبنا من نور، و قلوبنا من نور

مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است: توفیق از طرف
 خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش
 نصیحت کسی که او را نصیحت نماید.

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸

ahlab.com

من استغنى بالله فقتر الناس إليه ومن ألقى الله الخبز اللهم
 وإن كرموا

جولانمرا

هر که خود را به وسیله خداوند بی نیاز بدانند مردم محتاج او خواهند شد
 و هر که تقوای الهی را پیشه خود کند خواه ناخواه، مورد محبت مردم
 قرار می گیرد، گرچه مردم خودشان اهل تقوا نباشند.

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۷۹

ahlabait.com

عظیم

ایاک و مصاحبه اشیر بر ذلله کاتسب السلوک، بحسن
 منزله و صلاح امره

جولانمرا

مواظب باش از مصاحبت و دوستی با افراد شرور؛ چون که او
 همانند شمشیری زهر آلود، براق است که ظاهرش زیبا و
 اثراتش زشت و خطرناک خواهد بود.

بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۸

ahlabait.com

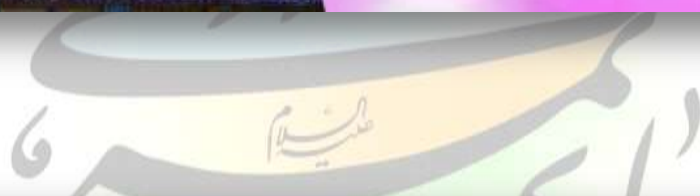


قال له رجل: اوصني بوجه جامع مختصر؟
 فقال عليه السلام: من نكحني عن عار العيلة زور الاجل.

شخصی به حضرت عرض کرد: مرا وعظمه و نصیحتی کامل و مختصر عطا فرما؟ امام علیه السلام فرمود: اعضا و جوارح ظاهری و باطنی خود را از ذلت و ننگ سریع و زودرس، همچنین از آتش و عذاب آخرت، در امان و محفوظ بدار.

عوالم العلوم و المعارف، ج ۲۳، ص ۲۰۵

ahlolbait.com





جواب الامرة لشيخنا الفاضل الامام العبد المذنب

ملاقات و دیدار با دوستان و برادران [خوب]، سبب صفای دل و نورانیت آن می گردد و موجب شکوفایی عقل و درایت خواهد گشت؛ گرچه در مدت زمانی کوتاه انجام پذیرد.

بخار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۳

ahlolbait.com

لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قَدِيرُ وَرُحْمَانَ الرَّحِيمِ لَا تُخْشَى الْخَائِبِينَ
 وَتُكْرَهُ الْمُنْكَرَ

حوار الائمة

سه چیز، سبب رسیدن به رضوان خدای متعال است:

۱. نسبت به گناهان و خطاها، زیاد استغفار و اظهار ندامت کردن؛
۲. اهل تواضع گردن و فروتن بودن؛
۳. صدقه و کارهای خیر بسیار انجام دادن.

بخاراالنوار، ج ۷۵، ص ۸۱

www.torob.com



يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ
 يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ يَا قَدِيرُ

حوار الائمة

هر کس بر بالین قبر مؤمنی حضور یابد و رو به قبله بنشیند و دست خود را روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره مبارکه «بنا انزلناه» را بخواند از شداید و سختی های صحرا ای محشر در امان قرار می گیرد.

وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۷

www.torob.com



لَا تُحِبُّ قَلْبِي، فَإِنَّ مَالَهُ كَرِيمًا وَالشَّيْخُ مَالَهُ الْفَقِيرُ مَوْلَى حَلِيقَتِي
الْأَشْرَافِ بِرَدِّ لِي عَلَى الْقَوْمِ، وَأَتَخَذُ فِي الْمَسَائِلِ، وَمَسَائِلِي مَعِي
الْقُرْبَى وَالسُّرُورَ مِنَ الْقُرْبَى

جولانمرا

بر شما باد به تحصیل علم و معرفت، چون فراگیری آن واجب و بحث پیرامون آن مستحب و پُر فائده است. علم وسیله کمک به دوستان و برادران است، دلیل و نشانه مروت و جوانمردی است، هدیه و سرگرمی در مجالس است، همدم و رفیق انسان در مسافرت است؛ و انیس و مونس انسان در تنهایی است.

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۰

ahlabat.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

حورا الائمة
 توبه الصبر، وامتت القلوب والافئدة الشريفة، ورحلت الهوى في
 ايام الكمال كخبر من ربي الله، القدر كيف تكبر

در زندگی، صبر را تکیه گاه خود، فقر و تنگ دستی را هم نشین خود
 فرار بده و با هواهای نفسانی مخالفت کن. و بدان که هیچ گاه از
 دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی ماند، پس مواظب باش که
 در چه حالتی خواهی بود.

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸

www.abolhasan.com



حورا الائمة
 توبه بر آن که در توبه است، و توبه است که در توبه است، و توبه است که در توبه است

شرایط پذیرش توبه چهار چیز است: پشیمانی قلبی، استغفار
 بازبان، جبران کردن گناه نسبت به همان گناه و تصمیم جدی
 بر اینکه دیگر مرتکب آن گناه نشود.

کشف الغممه، ج ۲، ص ۳۴۹

www.abolhasan.com

حجرات النعمة
 فراتحی و کاتب، المصنوعه العجمیة والتمیزه العجمیة
 انتصاره العجمیة، المصنوعه العجمیة

نواضع و فروقی زینتبخش حسب و شرف، فصاحت زینتبخش کلام، عدالت
 زینتبخش ایمان و اعتقادات، وفار و ادب زینتبخش اعمال و عبادات؛ ودقت
 در ضبط و حفظ آن، زینتبخش نقل روایت و سخن است.

بخاراالنوار، ج ۷۵، ص ۹۱

www.abolhasani.com



حجرات النعمة
 المصنوعه العجمیة والتمیزه العجمیة
 انتصاره العجمیة، المصنوعه العجمیة

بندهای حقیقت ایمان را نمی باید، مگر آنکه دین و احکام الهی
 را در همه جهات بر نمایلات و هواهای نفسانی خود مقدم دارد. و
 کسی هلاک و بدبخت نمی گردد، مگر آنکه هواها و خواسته های
 نفسانی خود را بر احکام الهی مقدم نماید.

بخاراالنوار، ج ۷۵، ص ۸۱

www.abolhasani.com



عکس ادبی





عزت مؤمن در بی‌نیازی و طمع نداشتن به مال و
زندگی دیگران است.

چهار انوار، ج ۲۲، ص ۱۹

www.ashraf.com

عکس ادراکنی



هر کس رکوع نمازش را به‌طور کامل و صحیح انجام دهد، وحشت
قبر بر او وارد نخواهد شد.

کتاب، ج ۲، ص ۲۱

www.ashraf.com

سؤال و جواب در فضیلت ائمه اطهار

حول الأئمة

هر که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۰

www.abolhasan.com

سؤال و جواب در فضیلت ائمه اطهار

حول الأئمة

هر کس قبر عمه ام — حضرت معصومه سلام الله علیها — را [با علاقه و معرفت] در قم زیارت کند، اهل بهشت خواهد بود.

وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶

www.abolhasan.com



عک ادراک



حسن الصحابة الذين يتكلمون بالعلم والفضل، فتن
الدين والاسلام

جولہ الاممہ

تواضع و فروتنی زینت بخش علم و دانش است،
ادب داشتن و اخلاق نیک زینت بخش عقل می
باشد، خوش رویی با افراد زینت بخش حلم و
بردباری است.

بخاری الموطأ، ج ۷۵، ص ۹۱

www.KitaboSunnat.com

عکس ادب

انما مصاحبة الشريفة، فانه لا تفسد المسلمون، بحسن
منطقه وفتح لزمه

جولہ الاممہ

مواظب باش از مصاحبت و دوستی با افراد شرور؛ چون که او
همانند شمشیری زهر آلود، بر آق است که ظاهرش زیبا و
اثر آتش زشت و خطرناک خواهد بود.

بخاری الموطأ، ج ۷۶، ص ۱۸۸

www.KitaboSunnat.com



عزت ادرکنند





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَدْحُ حُجَّاتِ الْإِسْلَامِ

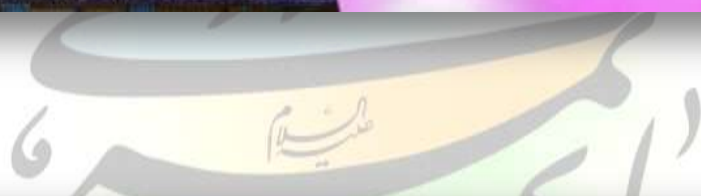
الاقر بالمعروف والنهي عن المنكر فكل من علم ما يؤجر
 لم يتركه، فانه يرضى عنه الله، والله غفور
 رحيم

جولان الأمة
 تسليق

**امر به معروف ونهي عن منكر دو مخلوق الهی است، هر که آنها را یاری و
 اجرا کند مورد نصرت و رحمت خدا قرار می گیرد و هر که آنها را ترک و
 رها کرد، مورد خذلان و عقاب قرار می گیرد.**

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۴

ahlabook.com



من كان لله قلب سليم
 فاستجاب له الله
 من كان لله قلب سليم
 فاستجاب له الله

جولان الأمة
 تسليق

**فرار سیدن مرگ انسان ها، به جهت معصیت و گناه، بیشتر است تا
 مرگ طبیعی و عادی، همچنین حیات و زندگی به وسیله نیکی و
 احسان به دیگران بیشتر است از عمر طبیعی.**

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۲

ahlabook.com



کتاب تصحیح من الله کامله، و کتب تنحی عن الله طالمه، و
من القطع التي غیر الله و کتبه الله العزیز

جوار الأئمة

چگونه گمراه و در مانده خواهد شد کسی که خداوند سرپرست و متکفل
اوست. چطور نجات می یابد کسی که خداوند طالبش است. هر که از
خدا قطع امید کند و به غیر او پناهنده شود، خداوند او را به همان
شخص واگذار می کند.

بهار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵

www.tandilab.com



بِأَنَّ عَلَى اللَّهِ وَالْآلَةِ رَأْسَ عَظِيمٍ شَيْئًا وَ تَتَرْتَمِمْ عَلَيْهِمْ
شَيْئًا وَ كَرَّمْتَنِي بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ كَرَّمْتَنِي

جوار الأئمة

زمان ولادت امام عصر علیه السلام بر مردم زمانش مخفی است، و شخصش از
شناخت افراد غایب و پنهان است. و حرام است که آن حضرت را نام ببرند
او هم نام و هم کنیه را سول خدا صلی الله علیه و آله است.

بهار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲

www.tandilab.com

جولانہ
جولانہ
 ہر کس به شخصی سخنران علاقمنند و متمایل باشد،
 بنده اوست، پس چنان چه سخنور برای خدا و از احکام
 و معارف خدا سخن بگوید، بنده خداست، و اگر از زبان
 شیطان و هوا و هوس و مادیات سخن بگوید، بنده
 شیطان خواهد بود.
 کتبی، ج ۶ ص ۲۴

عکس ادراک

جولانہ
جولانہ
 علم دو گونه است: علمی که شنیده شود و علمی که [علاوه
 بر شنیده شدن] تبعیت شود. علم شنیده شده تازمانی که
 بدان عمل نشود، فایده‌ای ندارد.
 چهارآلینوار، ج ۷۵ ص ۸۰



عزت ادرمش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



<http://www.aparat.com/v/BSrYc/%D8%B4%D8%...%88%D8%A7%D8%AF>

لطفا روی لینک بالا کلیک فرمایید .

تقدیم به دل های دریایی تان





التماس دعا به قلب های سرشار از نور و صفای شما مؤمنان گرامی

سال نو مبارک

سایه خواجه ابوالفتح